تکلیف اصلاح‌طلبان و اعتدالیون با فضای مجازی از ابتدا مشخص بود. آنان بی گفت‌وگو، به پیشواز ابزارهایی رفتند که می‌توانست راه‌های آسانی برای ارتباط با مخاطبان در اختیارشان قرار دهد. این ابزارها از آن رو اهمیت داشت که دسترسی این جریان سیاسی به ابزارهای رسمی تبلیغاتی، همچون صدا و سیما بسیار محدود و نزدیک به صفر بوده است. اما در مقابل، اصولگرایان در بهره‌گیری از صداوسیما، همواره دست بالا را داشتند. این امکان، این طور نشان می‌داد که آنان دیگر نیازی به شبکه‌های مجازی ندارند و حضور گسترده رقیب در آن فضا، بدون فایده خواهد بود. البته نقشی که این شبکه‌ها در برخی حوادث سیاسی کشور داشتند، عامل دیگری بود که سبب می‌شد اصولگرایان، موضع محتاطانه‌تری نسبت به آنها اتخاذ کنند. اما انتخابات مجلس دهم، نشان داد که محاسبات آنان درباره فضای مجازی و قیاس میان تأثیرگذاری این ابزارها و صدا و سیما، نادرست بوده است.

این دریافت را می‌توان در این اظهار نظر غلامرضا مصباحی مقدم، عضو جامعه روحانیت مبارز تهران یافت. وی ۳ ماه بعد از انتخابات مجلس، به «خبرآنلاین» گفت: «تلگرام و فضای شبکه‌های اجتماعی تا روز رأی‌گیری به کمک اصلاح‌طلبان آمد و حدود ۳۰ درصد به حامیان آنان افزوده شد و افرادی به صحنه آمدند که تاکنون در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده بودند و نهایتاً همه چیز به نفع آنان شد.»اما نقشی که فضای مجازی بویژه «تلگرام» در انتخابات بازی کرد، فراتر از ارزیابی مصباحی مقدم است. رئیس پلیس فتای ناجا دو هفته بعد از انتخابات، ارزیابی دقیق‌تری به دست داد: «۷۹ درصد از کل فعالیت‌های انتخاباتی در فضای مجازی در تلگرام انجام شد و مابقی شبکه‌ها همچون فیس‌بوک، توئیتر و غیره نقش جدی نداشتند.»

حمیدرضا جلایی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگویی با «ایران»، دلیل تمرکز اصلاح‌طلبان بر شبکه‌های ارتباطی و به طور کلی «تلگرام» را این طور بیان کرد: «اصلاح‌طلبان پولی برای تبلیغات میدانی نداشتند. خاطرم هست که روز شنبه، یعنی آغاز تبلیغات انتخاباتی، بچه‌های اصلاح‌طلب ستاد امید می‌گفتند که اصلاً در شهر حضور نداریم. زیرا درودیوار شهر پر از تبلیغات اصولگرایان بود.» وی در عین حال تأکید کرد: «تلگرام هم به افزایش آگاهی‌ها و ترغیب مردم به حضور در پای صندوق‌های رأی کمک کرد.»

■ بازگشت اصولگرایان به فضای مجازی

تأثیرات غافلگیرکننده و ظرفیت گفتمان‌سازی شبکه‌های مجازی و موبایلی، بویژه پیامد این ظرفیت‌ها که در انتخابات مجلس خود را نشان داد، سبب شد که اصولگرایان نیز دیدگاه خود نسبت به این شبکه‌ها را بازبینی کرده و آرام آرام راه خود را به آنها پیدا کنند. حضور چهره‌های مطرح اصولگرا در شبکه‌های ارتباطی همچون «تلگرام» تا «توئیتر» مؤید این واقعیت است. حضور این چهره‌ها بویژه در توئیتر قابل توجه است که به صورت رسمی فیلتر شده است. احمد توکلی، غلامعلی حدادعادل، سعید جلیلی، مهدی محمدی، مرتضی آقاتهرانی، عزت‌الله ضرغامی و محسن رضایی، از جمله این چهره‌ها هستند. این حضور، انتقاد رسانه‌های اصلاح‌طلب «آفتاب یزد» را به دنبال داشته است. این رسانه با اشاره به اینکه برخی از چهره‌های اصولگرای حاضر در توئیتر، مدافع سازوکار فیلترینگ هستند و از آنجا که «توئیتر» رسماً فیلتر است، چطور این چهره‌های مدعی قانونمداری، قانون را دور می‌زنند و با استفاده از فیلترشکن، وارد این شبکه می‌شوند. اصولگرایان در پاسخ، خواستار حضور بیشتر در این فضا شده‌اند، امری که نشان می‌دهد آنان نیز دریافته‌اند عصر رسانه‌های تک‌گو سرآمده است. براساس چنین دیدگاهی است که پس از انتقاد رسانه اصلاح‌طلب، علیرضا زاکانی، یکی دیگر از چهره‌های اصولگرا فعالیت خود در توئیتر را آغاز کرد. از آن گذشته، به نظر می‌رسد با فراخوانی که چندی پیش غلامعلی حدادعادل از همفکران خود کرده بود، اصولگرایان بیشتری در این شبکه ارتباطی، حضور یابند. گسترده‌تر شدن این حضور، می‌تواند تأییدکننده راهبرد اصولگرایان برای انتخابات آتی باشد؛ تبلیغ و طرح دیدگاه‌ها در فضای مجازی، به جای تکیه محض بر رسانه فراگیری به نام صدا و سیما.اصولگرایان حاضر در این شبکه‌ها، با مخاطبان همسو گفت‌وگو کرده و خوراک لازم سیاسی و فکری را برای آنان فراهم می‌کنند، اما درعین حال، با چهره‌های همسطح خود از جناح مقابل نیز باب رقابت و گفت‌وگوی غیرمستقیم را گشوده‌اند. زیرا مدت‌ها پیش از اصولگرایان، چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اعتدالی همچون حمید ابوطالبی، حسام‌الدین آشنا، عبدالله رمضان‌زاده و ابراهیم اصغرزاده در فضای مجازی حضور داشته و در غیاب دسترسی به رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی، از این طریق با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کنند و گاهی نیز با رقبای سیاسی خود وارد گفت‌وگویی غیرمستقیم می‌شوند.

> گسترده‌تر شدن حضور در فضای مجازی ، می‌تواند تأییدکننده راهبرد اصولگرایان برای انتخابات آتی باشد: تبلیغ و طرح دیدگاه‌ها در فضای مجازی به جای تکیه محض بر رسانه فراگیری به نام صدا و سیما. اصولگرایان حاضر در این شبکه‌ها، با مخاطبان همسو گفت‌وگو کرده و خوراک لازم سیاسی و فکری را برای آنان فراهم می‌کنند

■ نقش دولت در رسمیت یافتن شبکه‌های مجازی

حضور گسترده همه جریان‌های سیاسی نشان می‌دهد که چپ و راست، نقش وتأثیر فضای مجازی را پذیرفته‌اند و به جای برخورد سلبی، راه ایجابی را در پیش گرفته‌اند. اما آیا از ابتدا این گونه بوده است؟ رئیس جمهوری ۱۲ مردادماه امسال در گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم، از فشارهایی انتقاد کرد که از ابتدای فعالیت دولت یازدهم توقف فعالیت این شبکه‌ها را از دولت خواستار بودند. حسن روحانی گفت: «دولت یازدهم از روز اول به برخی‌ها که معتقد بودند باید با این شبکه‌ها مبارزه و آنها را فیلتر کرد چرا که می‌پنداشتند این شبکه‌ها مشکل برای جامعه درست می‌کنند، اجازه این اقدام را نداد.» این اظهار نظر درست در زمانی صورت گرفت که منتقدان دولت، در فضای مجازی بحث فیش‌های حقوقی را گرم نگه داشته بودند. به عبارت دیگر، درست در زمانی که فعالیت شبکه‌های ارتباطی به نفع دولت نبوده است، دولت از فعالیت این رسانه‌ها استقبال و حمایت کرده و نپذیرفت که این ابزار ارتباطی مؤثر از دسترس مردم خارج شود. اما تلاش‌های دولت، همیشه نیز با کامیابی همراه نبوده است و برخی نهادها توانسته‌اند سیاست‌های مبنی بر محدودیت شبکه‌های ارتباطی موبایلی خود را پیش ببرند. چنانکه در ابتدای فعالیت دولت یازدهم، «وی چت» از دسترس دارندگان گوشی‌های هوشمند خارج شد، اما دولت توانست «تلگرام»، «واتس‌اپ» و «وایبر» را همچنان برای مردم فعال نگه دارد.

■ فشارهایی که به دولت وارد می‌شود

باز نگه داشتن این فضاهای ارتباطی، برای دولت آسان نبوده است. نشانه‌های بسیاری برای تأیید آن چیزی وجود دارد که رئیس جمهوری از آن سخن گفته است. از جمله، نامه۲۹ شهریور ۹۳ محسنی اژه‌ای، معاون اول قوه قضائیه خطاب به وزیر ارتباطات، نشان می‌داد که قوه قضائیه ضرب‌الاجل یک ماهه برای وزیر ارتباطات تعیین کرده بود تا شبکه‌های اجتماعی نظیر «واتس اپ»، «وایبر» و «تانگو» فیلتر شود. وی دلیل این امر را، «محتوای مجرمانه در شبکه‌های موصوف» عنوان کرده بود. محمود واعظی نیز در پاسخ گفت که «درباره محتوای مجرمانه به طور جدی اعتقاد داریم که حذف شود و این حرف درستی است... اما اینکه با مسدود کردن بخواهیم این کار را درست کنیم، حرف دیگری است.» اصرار به فیلترشدن، تنها مربوط به «واتس اپ» نبود. آبان ماه ۹۴ ، محمد منتظری، دادستان کل کشور، پیش از برگزاری یکی از جلسات «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه» از تلاش‌ها برای فیلترینگ «تلگرام» خبر داد و گفت که «در جلسه تکلیف تلگرام معلوم می‌شود و بنا نداریم نسبت به مصادیق مجرمانه کوتاه بیاییم.» اما این شبکه‌ها فیلتر نشد تا چند ماه بعد، در ۷اسفند ۱۳۹۴، صحت ادعای دولت مبنی بر ضرورت فعالیت این شبکه‌ها مسجل شد.

محمود واعظی، وزیر ارتباطات درباره این فشارها به «ایران» گفت: «مگر می‌شود در این رده‌ها کار کنید و فشاری نباشد؟ فشار همیشه هست، اما مسئولان نباید در برابر فشار، تهمت و جوسازی‌ها تسلیم شوند.» وی درباره علت مقاومت دولت در برابر این فشارها نیز اظهار کرد: «در زمان انتخابات، این طور فکر می‌کردیم که هرچه مردم آگاه‌تر باشند، انتخاب‌شان نیز آگاهانه‌تر خواهد بود و نباید شرایط به‌گونه‌ای باشد که هرکس پول بیشتری دارد، پیام بیشتری را به مردم منتقل کند. اکنون روش‌های متنوع و به مراتب بسیار کم‌هزینه‌ای وجود دارد که به همان اندازه می‌تواند آگاهی مردم را بالا ببرد. بر این اساس بر این نظر بودیم که اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی موبایلی، باید در اختیار همگان قرار بگیرد تا مردم به جای اینکه در خیابان با یکدیگر بحث کنند، در شبکه‌های اجتماعی با هم گفت‌وگو کنند.» امروز مشخص شده است که پیامد چنین رویکردی، فقط مشارکت گسترده مردم در انتخابات نبوده است، بلکه اذعان همه چهره‌های سیاسی، از اصولگرا تا اصلاح‌طلب، بر ضرورت در دسترس بودن چنین شبکه‌هایی است.

این اتفاق، به این دلیل روی داد که به گفته رئیس جمهوری «مردم در این انتخابات دیدند که یک امنیت واقعی لمس شد. اینترنت در انتخابات وصل بود. مردم صبح انتخابات بلند شدند دیدند موبایل‌هایشان کار می‌کند، اینترنت کار می‌کند.» اکنون که اصولگرایان نیز به ضرورت وصل بودن اینترنت واقف شده‌اند، انتظار می‌رود از سیاست‌های دولت در این زمینه نیز دفاع کنند، نه اینکه همچنان از دیدگاه‌هایی حمایت کنند که خواستار محدودیت بیشتر برای مردم هستند.

گپ

ناصر ایمانی

فعال سیاسی اصولگرا

فضای مجازی، پیشگام اطلاع‌رسانی در انتخابات ۹۶

■ میزان تأثیرگذاری فضای مجازی بویژه شبکه‌های موبایلی بر انتخابات را تاچه اندازه می‌دانید؟

آماری در دست نیست که میزان دقیق تأثیرگذاری را نشان بدهد و به همین دلیل، آنچه مطرح می‌شود بیشتر برداشت‌های کلی میدانی است. اما نبود این آمار باعث نمی‌شود که واقعیت تأثیرگذاری این شبکه‌ها در صحنه سیاست، بویژه در زمان انتخابات را نادیده بگیریم. البته این تأثیرگذاری تنها به ایران محدود نمی‌شود و در سایر کشورها نیز این شبکه‌ها مؤثر عمل می‌کنند. معتقدم آینده ما، آینده فضای مجازی است.

■ آنچه در انتخابات مجلس در تهران رقم خورد، بویژه با حضور میدانی اندک اصلاح‌طلبان به نسبت اصولگرایان، نباید ما را مجاب کند که تأثیر جدی فضای مجازی را بپذیریم؟

شما با این پرسش تهران را از کشور جدا می‌کنید. وقتی از تأثیر فضای مجازی سخن می‌گوییم، باید کل کشور را در نظر داشته باشیم. طبیعی است که در برخی مناطق تأثیر شبکه‌های اجتماعی بیشتر است، بویژه در استان و شهری که قشر تحصیلکرده بیشتری حضور دارند. ضمن اینکه آنچه در سال گذشته سبب شد که اصلاح‌طلبان بتوانند در تهران همه نامزدهای خود را به مجلس بفرستند، فقط به اینترنت و فضای مجازی مربوط نمی‌شود و دلایل متعددی دارد که یکی از آن‌ها، می‌تواند تأثیرگذاری فضای مجازی باشد.

■ به نظر می‌رسد از ابتدا تکلیف اصلاح‌طلبان با فضای مجازی مشخص بود و از آن استقبال کردند. اما اصولگرایان ابتدا نسبت به آن موضع داشتند. قبول دارید که تا پیش از انتخابات مجلس، توجه اصولگرایان به ظرفیت‌های فضای مجازی اندک بوده است؟

اگر بگویید یک رویکرد فکری در اصولگرایان وجود دارد که به فضای مجازی قائل نیستند یا اهمیت آن را کم می‌دانند، این امر قابل پذیرش نیست. هرچند می‌پذیرم که به نسبت اصلاح‌طلبان، آنان حضور کمتری در فضای مجازی دارند. اما این نقص تاحد زیادی جبران شده است و اکنون اصولگرایان حضور خوبی در فضای مجازی دارند. ضمن اینکه چالش ما اساساً این موضوع نیست و هر دو جریان باید در فضای مجازی باشند و از آن استفاده کنند. فضای مجازی، امکان جدیدی است که در اختیار ما گذاشته شده است.

■ به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان قائل به محدود کردن فضای مجازی نیستند، اما برخی از نهادهای تصمیم‌گیر، دیدگاه دیگری دارند و ترجیح می‌دهند که دسترسی به این فضا محدود شود. منتقدان این رویکرد، معتقدند که چنین تصمیمی، سیاسی است و کمتر ناشی از دغدغه اخلاقی و اجتماعی.

اینکه یک جناح ژست دموکراسی و آزادیخواهی بگیرد و دیگران را متهم کند، قدیمی است و دوره آن گذشته است. اما قبول دارم که تمامی نهادها و جناح‌ها درباره رسانه‌ها به طور کلی و رسانه‌های مجازی به طور خاص، باید تحمل و سعه صدر خود را بالا ببرد. اکنون هرچند دولت ادعای آزادی بیان دارد، اما در برابر کوچک‌ترین انتقادها، شکایت می‌کنند. بنابراین، مشکل صبر و تحمل، در همه جناح‌ها و همه نهادها وجود دارد و متعلق به یک جریان و یک نهاد نیست.

■ البته برخی رسانه‌ها به جای کار خبری و رسانه‌ای، به جایی برای انتشار بیانیه‌های سیاسی تبدیل شده‌اند و در این مسیر از هیچ تهمتی ابا ندارند.

در این شکی نیست که تهمت و فحاشی و ادبیات نامناسب، از هر طرف و نهاد و روزنامه‌ای، مذموم است. اما مسأله این است که چرا برخی رسانه‌ها به این سمت کشیده شده‌اند که الفاظ تند به کار می‌برند، یا اینکه فحاشی و هتک حرمت می‌کنند. یکی از دلایل مهم اتخاذ چنین رویکردی این است که طرف مقابل انتقاد را نمی‌پذیرد و همین سبب می‌شود که آنان به مرور زمان تندرو می‌شوند. اگر دولت نسبت به انتقاداتی که به صورت سالم مطرح می‌شد، تحمل می‌داشت و با سعه صدر آنها را می‌شنید یا منتقد را با روی خوش می‌پذیرفت، بتدریج زبان ادبیات رسانه‌های منتقد نیز اصلاح می‌شد و هیچ گاه تند نمی‌شد.

■ تأثیرگذاری فضای مجازی در انتخابات پیش رو را چطور ارزیابی می‌کنید و آیا جناح‌ها برای استفاده از این فضا با یکدیگر رقابت خواهند کرد یا خیر؟

قطعاً تأثیرگذاری این فضا بسیار بیشتر از انتخابات قبلی خواهد بود و این تأثیر در آینده همچنان رو به فزونی خواهد داشت. مشکل اصلی این است که هنوز سازوکار فرهنگی مشخصی برای این رسانه‌ها تدوین نکرده‌ایم تا آنها بدانند که حد و مرز فعالیت‌شان کجاست. در غیاب چنین سازوکاری، ممکن است شب انتخابات، یک رسانه خبر کذبی را علیه نامزدی منتشر کند و جریان آرا را تغییر دهد، اما دیگر کار از کار گذشته است. این وظیفه دست اندرکاران انتخابات است که باید در این زمینه فعال‌تر عمل کرده و دستورالعملی را هدایت و آموزش تدوین کنند که چگونه از فضای مجازی به نفع شور و نشاط انتخاباتی استفاده کنند.

■ اما برخی از نهادها هستند که پیش از تدوین چنین سازوکاری، به محدود کردن تأکید دارند

این پرسش را درست نمی‌دانم. وقتی می‌گویید برخی از نهادها، یعنی در واقع یک نظام یکپارچه را چندبخشی تصویر می‌کنید و می‌گویید بخشی از قدرت، یک جور است و بخش دیگر، جور دیگر. این تفکیک نادرست است. قبول دارم که در مجموعه کارگزاران نظام، تفکراتی وجود دارد که قائل به محدود کردن هستند. اما این تفکر در همه دستگاها وجود دارد و مختص به یک دستگاه نیست. ضمن اینکه چنین تفکراتی، تأثیر چندانی ندارند و نمی‌توانند نظر خود را غالب کنند. نشانه‌اش، فعالیت صدها سایت خبری در فضای مجازی است.

حضور فراگیر جناح ها در فضای مجازی

انتخابات ۹۶ «اینستاگرام» و« توئیتر» را رونق داد

مرتضی گلپور

فرآیند و نتیجه انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ما را از گفت‌وگو درباره اهمیت فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی بی نیاز کرده است. اینکه با وجود همه ابزارهای رسمی تبلیغاتی، دست به دست شدن یک فیلم کوتاه رئیس دولت اصلاحات در «تلگرام» توانست در نتیجه انتخابات مجلس در حوزه تهران تأثیرگذار شود، اهمیت فضای مجازی را برای دیرباوران، مسجل کرد. آنان که تا پیش از این رویداد، یا از کنار فضای مجازی می‌گذشتند یا از هیچ تلاشی برای محدودکردن آن فروگذار نبودند، ناگهان دریافتند که «بودن، به از نبود شدن، خاصه در بهار» فضای مجازی. به همین دلیل بود که اصولگرایانی که تا دیروز اهمیت چندانی برای فضای مجازی قائل نبودند، آرام آرام راه خود را به انواع و اقسام این شبکه‌ها باز کردند. حالا دیگر اصلاح طلبان در فضای مجازی تنها نیستند. آنان رقبای خود را نیز سایه به سایه خود در شبکه‌های ارتباطی می بینند، امری که پرشورتر شدن و تأثیرگذاری بیشتر این فضا در آینده را تضمین خواهد کرد.

گپ و گو

صادق زیباکلام

استاد دانشگاه تهران

عملکرد جناحی صدا و سیما، هموارکننده راه گسترش فضای مجازی

■ چرا شبکه‌های مجازی در فرآیندهای انتخاباتی تأثیرگذارند؟

پس از انتخابات مجلس دهم، در یادداشتی این واقعیت را توضیح دادم که دلیل پیروزی شگفتی آور اصلاح‌طلبان در شهر تهران و برخی دیگر از شهرهای کشور، فضای مجازی بوده است و نه فعالیت اصلاح‌طلبان. حتی این را نیز گفتم که این فضای مجازی بود که اصولگرایان را شکست داد و آن نتایج شگفت را رقم زد و اصلاح‌طلبان نباید فکر کنند که تشکیلات، سازمان یا فعالیت‌های آنان نتیجه انتخابات را تعیین کرد.

■ دلیل چنین تأثیرگذاری چیست؟

به جای طرح این پرسش، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چرا در کشورهایی چون نروژ یا ایتالیا، فضای مجازی تا این حد تأثیرگذار نیست و چرا در ایران این قدر تأثیر دارد؟ پاسخش مشخص است. به این دلیل که در کشوری مانند نروژ یا هند، رسانه‌های زیادی اعم از تلویزیونی و رادیویی و مطبوعات فعال هستند که کار خبررسانی و ارائه گزارش ها به مردم را انجام می‌دهند. در چنین شرایطی، دلیلی وجود ندارد که فضای مجازی تا این اندازه مهم شود، اما در ایران، متأسفانه ما فقط یک تلویزیون ملی داریم که در خط کامل یک جریان سیاسی خاص قرار دارد، البته درست ترش این است که در خط طیف تندرو این جریان سیاسی قرار دارد. این امر باعث می‌شود بخش عمده‌ای از لایه‌های تحصیلکرده جامعه، جوانان، متولدان دهه شصت یا هفتاد، برای دریافت اخبار و تحلیل‌های مورد نیاز خود، به رادیو و تلویزیون مراجعه نکنند. این اقشار برای اینکه بفهمند در ایران و جهان چه خبر است، به رسانه‌های دیگر مراجعه می‌کنند. به همین دلیل است که در جامعه‌ای مانند ایران فضای مجازی تا این اندازه مهم می‌شود، اما در کشورهایی همچون هند و انگلستان این طور نیست. از این رو، می‌توان این طور نتیجه گرفت که اگر فشار اصولگرایان روی رادیو و تلویزیون نباشد و این رسانه بتواند مقداری منصفانه‌تر و واقعبینانه‌تر اخبار و تحولات را روایت کند، از اهمیت فضای مجازی کاسته می‌شود.

■ با شرایطی که در انتخابات مجلس دهم رقم خورد، آیا طرف مقابل متوجه اهمیت این فضا شده و رویکرد خود به آن را تغییر می‌دهد؟

به نظر می‌رسد آنان نیز بتدریج متوجه اهمیت و تأثیرگذاری فضای مجازی شدند. از این رو، دو اقدام را در دستور کار خود قرار داده اند؛ یکی اینکه به طور جدی تلاش می‌کنند تا بویژه با نزدیک شدن به انتخابات، فضای مجازی را محدود کنند. رویکرد دیگر آنان که از مدت‌ها قبل شروع شده است، این است که تلاش می‌کنند تا آنجا که می‌توانند در فضای مجازی حضور بیشتر و مؤثرتری داشته باشند. اکنون، اگر سایت‌های فعال در فضای مجازی یا کانال‌های تلگرامی را بررسی کنیم، در می‌یابیم که کسر قابل توجهی از آنها متعلق به جریان مقابل است. اما این حضور گسترده، لزوماً به معنای تأثیرگذاری بیشتر نیست. اتفاقاً معتقدم تلاش‌های این جریان در فضای مجازی چندان موفق نبوده است. اینکه به این سمت سوق پیدا کرده‌اند که حضور بیشتری داشته باشند، ناشی از اقتضا و فشاری است که از ناحیه این فضا بر آنان وارد می‌شود، زیرا متوجه شدند که نمی‌توان فضای مجازی را نادیده گرفت، ضمن اینکه دریافتند محدودکردن یا فیلترکردن هم پاسخگو نیست.

■ البته نفس توجه آنان به این فضا، نشان می‌دهد که آنان دنبال محدود یا فیلترکردن نیستند

تجربه به این جریان نشان داده است که با بستن یا محدود کردن، نمی‌توان حریف فضای مجازی شد. این را فهمیده‌اند، فهمیده‌اند که هرقدر که بتوانند فیلتر کنند، کسانی که فیلترشکن درست می‌کنند از آنان جلوتر هستند و یک هفته تا یک ماه بعد، راه حل دور زدن را پیدا می‌کنند. بنابراین، به این نتیجه رسیدند که بهتر است خودشان وارد فضای مجازی بشوند و در این فضا تأثیرگذار باشند تا اینکه بخواهند دیگران را از حضور در آن منع کنند و آن را از دسترس همگان خارج کنند،اما همان طور که گفتم، حضور آنان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، لزوماً به معنای افزایش تأثیرگذاری یا مخاطبان آنان نبوده است.

■ چرا افزایش حضور، به افزایش تأثیر منجر نشد؟

برای پاسخ، باید به رفتار صدا و سیما توجه کنیم. این رسانه فراگیر، هرآنچه که دوست دارد، یا به عبارت بهتر، آنچه رابخش تندرو جناح مقابل دوست دارد به‌عنوان اخبار و تحلیل به مردم منتقل می‌کند. این رویکرد، در رابطه با رویدادهای داخلی یا منطقه‌ای و بین‌المللی صادق است. آنچه صدا و سیما نمی‌خواهد قبول کند، این واقعیت است که نه تنها مردم دیگر باور نمی‌کنند، بلکه ابزارهای دیگری برای دسترسی به اخبار در اختیار دارند. هنگام مناظره با اصولگرایان در دانشگاه‌ها، بسیار دیده‌ام که آنان می‌گویند «بی بی‌سی» هم چنین و چنان می‌گوید. این نشان می‌دهد بسیاری از افراد جناح مقابل، به صورت ناخودآگاه به رسانه‌های خارجی نگاه می‌کنند تا دریابند در کشور خودشان چه اتفاقی افتاده است. مسأله این است که این جریان، همان روشی را که در صدا و سیما دنبال می‌کنند به شبکه‌های اجتماعی نیز آورده است. طبیعی است که وقتی در صدا و سیما پاسخ نگرفته‌اند، در شبکه‌های اجتماعی نیز پاسخ نگیرند.

■ عملکرد دولت در حفظ این فضا را چطور می‌بینید، در اینکه به قول رئیس جمهوری، صبح انتخابات مردم دیدند که هم اینترنت فعال باشد و هم موبایل.

دولت تاحدود زیادی با فضای مجازی همراهی کرده و توانسته است نسبت به فشارهایی که طیف‌های تندرو برای محدودکردن، بستن و فیلتر کردن سایت‌ها و شبکه‌های مجازی وارد کردند، مقاومت کند. از این رو، من کارنامه دولت را در اینکه تسلیم فشارهای جریان‌های تندرو درباره فضای مجازی نشده است مثبت دانسته و به آن نمره خوبی می‌دهم.

■ الان هر دو طرف جریان رقیب در سیاست کشور متوجه اهمیت این فضا شدند. در سال ۹۶ همچنان شاهد تأثیرگذاری این فضا خواهیم بود؟

با توجه به اینکه صدا و سیما همچنان روی عملکرد بسته و انحصارطلبانه خود ادامه خواهد داد، شاهد خواهیم بود که فضای مجازی تاحد زیادی بار صدا و سیما را به دوش خواهد کشید و نقش بسیار مهمی را در انتخابات ۹۶ پیدا خواهد کرد.

■ فکر نمی‌کنید با توجه به تجربه سنگین انتخابات ۹۴، برخی در نهایت بتوانند این فضا را محدود کنند؟

طبعا تلاش‌های زیادی خواهند کرد تا فضای مجازی را محدود یا فیلتر کنند و احیاناً اگر بتوانند «تلگرام» را ببندند، اما به رغم همه محدودیت‌هایی که تندروها به وجود می‌آورند، باز هم فضای مجازی در انتخابات ۹۶ نقش بسیار مؤثری خواهد داشت.قطعاً این فضا در انتخابات ۹۶ هم تأثیرگذار است، زیرا یکی از عواملی که باعث پیروزی فهرست امید شد، حالت شور و هیجان و امیدی بود که در فضای مجازی برای نامزدهای این فهرست ایجاد شده بود. بنابراین معتقدم این اتفاق در انتخابات ۹۶ نیز خواهد افتاد و همان شور و وضعیت برای آقای روحانی به وجود خواهد آمد.

■ چقدر دغدغه‌ها را مبنی بر اینکه در فضای مجازی رفتار غیراخلاقی دنبال می‌شود جدی و واقعی می‌بینید و فکر می‌کنید این دغدغه‌ها تاچه حد ناشی از دغدغه‌های سیاسی است؟

من منکر این نیستم که در فضای مجازی مسائل غیراخلاقی نیز مطرح می‌شود ،اما همه حرف من این است که آنچه دغدغه اصلی اصولگرایان را تشکیل می‌دهد، سوءاستفاده‌های غیراخلاقی در فضای مجازی نیست، بلکه مسائل سیاسی است. مسائل سیاسی برای آنان بسیار سنگین‌تر و هولناک‌تر است تا مفاسد اخلاقی و غیره‌ای که در فضای مجازی وجود دارد. به عبارت دیگر، دغدغه آنان حفظ قدرت و تثبیت یا کسب دوباره آن است تا اصلاح فضای مجازی.